



## کوبانی: یک خروج

بابک سلیمی زاده

کوبانی خروج است. نقب زدن و ساختن تونل‌هایی تاریک و تنگ در زیرزمین‌های خاورمیانه‌ی خونین. در دورانی که سرمایه‌داری بحران را نه به عنوان امری ادواری بلکه به عنوان بحرانی ساختاری تجربه می‌کند، گسیختگی همواره همچون یک امکان در برابر ماست. امکان یک خروج که امروز توسط جمعیتی چندگانه ساخته شده است: کردها. یک سیاست اقلیت که برای رسیدن به نسبت دیگری از عناصر، فاصله‌ها و آستانه‌هایی دیگر، در تونلی خرد و خراب و مست نقب‌های مستقل خویش را میزند.

کردها کیستند؟ امروز چیزی بیش از یک ملت. آن چندگانگی که به «یک» فرومی‌کاهد بلکه بسیار می‌شود و می‌خواهد در جغرافیا و تاریخ تکثیر شود. در نسبت میان عناصر سیاست، در برهم‌کنش نیروهایی که در رابطه‌ای از قدرت با یکدیگر به سر می‌برند، در میان فرایند ترانزیت اسلحه و انتقال نفت و سوخت در رگهای سیری‌ناپذیر بازار جهانی، در زیر آواز چنگنازان خوش‌الحان رسانه‌های مسلط که خواب بردگان را شیرین می‌کنند و چکمه‌های امپریالیسم را واکس می‌زنند، در میان غرش تازه‌ترین هیولای فرانکشتاین محصول تازه به بازار آمده‌ی قرن بیست و یکم، ساخته شده از چندین سر و دست و چنگال متافیزیکی و بسیاران لوله و روده‌های تولید ارزش اضافه و بهره‌کشی ارزان از بدنهای ما و در عین حال تخریب زیرساختهای اجتماعی زندگی ما، و در بحبوحه‌ی تولید، حذف، دفع، و انتقال جمعیت قلمروزدوده در سطح جغرافیا، انحرافی در کوبانی ایجاد شده است.

در این کانتون سیاست، در این خلاء عصب‌شناختی که انحراف اتم‌ها در آن صورت گرفته، مبارزه برای هویت که همواره بخشی از خصلت جنبشهای اجتماعی در سرمایه‌داری متاخر بوده به مبارزه برای هویت زدایی و چندگانه ساختن و تکثیر خویش پیوند خورده است. به جای آنکه کردها بخواهند هویت خود را باز یابند، به گونه‌های مختلف چندگانگی تبدیل می‌شوند که به بیرون سرایت می‌کند و همه را فرامی‌خواند تا کرد-شوند و عوامل جمعیتی گفتن را تشکیل دهند. مقایسه‌ای میان دولت-وضعیت مرتجع حاکم بر کردستان عراق و آنچه در کوبانی می‌گذرد این واقعیت‌شدن را به خوبی نشان می‌دهد. «کرد بودن» (و نه کرد شدن) در کردستان عراق، به مدد زد و بندهای سیاسی احزاب دست راستی حاکم بر اقلیم، و رمزگذاری شدن در قلمرو سرمایه، دولت-وضعیتی را به وجود آورده که در آن نه «کردها» بلکه روابط بازار حاکمیت دارد. به وضوح می‌بینیم که دولت اقلیم کردستان عراق با ارتجاعی‌ترین نیروهای منطقه هم‌جهت شده است و «رونق» بازار خویش را در لیسیدن چکمه‌های آمریکا می‌بیند. «کرد شدن» در کوبانی داستان یکسر دیگری است. آنها مرز میان بیرون و درون را بازتعریف می‌کنند و یک کوبانی شدن مداوم را در قالب کانتون‌های خودگردان طرح می‌کنند. اگر این شدن را به یک حزب، به یک دولت-وضعیت فروبکاهیم، اگر کانتون‌ها را به سیاست‌های گذشته

و آینده ی پ.ک.ک نسبت دهیم و وابسته به آن بدانیم، فراموش کرده ایم که در این نقطه ی انحراف خود کوبانی هم بی وقفه کوبانی می شود و بالقوگی هایش را به تجربه می نشیند. بیاید این سیاست حقیقی را نه در فروکاستن چندگانگی هایش به یک، بلکه در نزدیک شدن و دورشدن اش از صفری که برساننده ی آن است بفهمیم. در این نقطه باید پ.ک.ک را هم در کوبانی شدن اش فهمید. منطق کوبانی منطق ارتعاش عصبیهای خاورمیانه است که مستعمرات پوست را از چندگانگی ها پر می کند.

باید دل از دولتها برکنیم. ما تنهایم، و جهانی در برابر انقلاب ما سرکوفتگان تاریخ خواهد ایستاد. احیای گذشته تنها خدمتی ست که این نظام می تواند برای مردم انجام دهد و القای شکست تنها تحفه ی آن است. به تنهایی تاریخی خویش و تاریخ تنهایی خویش وفادار بمانیم.

هیچ کس نمی داند چه خواهد شد. امروز بر نقطه ی اوج پایان تاریخ به سر می بریم. بر نقطه ی اکستازی آن. در امپراتوری ترور. هگل در اینجا اوردوز کرد. موریانه ها بیرون ریخته اند و پای چوبین عمارت تاریخ را می روند. آغاز و انجام تاریخ کجاست؟ کوبانی مسئله اش را از میانه های خروج طرح می کند.

در بحبوحه ی این سیلاب، کوبانی آینده را فراخوانده است و به نیرو و توان خویش میخواهد آن را از آن خود کند. نیروهای آینده با مقیاس کمی زمان خطی سنجیده نمی شوند؛ آنچه می آید مرز میان گذشته و حال و آینده را برهم می زند. تاریخ دچار سخته می شود. زمان حال سرمایه در کوبانی متوقف می شود. مردم در آنجا کانتون هایی خودگردان را تشکیل داده اند و بالقوگی زندگی های اشتراکی را به تجربه نشسته اند و از آن دفاع می کنند. مردم نام این «آمده» را در شهرها فریاد می زنند و خواستار پیروزی آن هستند.

در شرایطی که اربابان حاکم بر سرنوشت ما، آنان که بدن های ما را دزدیده اند، جز موعظه های اخلاقی دیگر چیزی برای ارائه کردن به بشریت ندارند، باید به «گفتارها» ی ماکیاولی گوش سپرد که فن پیروزی اربابان را به بهترین شکل بر ما فاش کرده. او به بهترین نحو به جای ارائه ی موعظ اخلاقی در مورد سیاست، در کتاب «گفتارها» به ما نشان می دهد که چگونه رومیان با اتکا به نفس، قدرت روحی و توان والای فکری، قادر به تحقق پیروزی و شکست امر کهنه شدند. او نخستین کسی بود که سیاست را به عنوان آری گویی به زندگی تعریف نمود و فاتحان را از آن رو شایسته ی پیروزی دانست که به تمامی نیروهای حیات انسانی خویش آری گفته اند.

به ما می گویند آلترناتیو شما چیست؟ آلترناتیو ما زندگی ست. این ایجابیت کوبانی ست. آلترناتیو ما کوبانی شدن است. در جهانی که چندی پیش ناسی فریزر اعلام کرد فمینیسم به بنده ی سرمایه داری تبدیل شده، سیاست زنانه ی کوبانی یک آلترناتیو است.

